

اخبار

عاشقانه کین –سون تا قهرمانی؟

«عشق حقیقی» در نهایت درب خانه شما را خواهد زد و شما را پیدا خواهد کرد. این بی‌شک بهترین توصیف برای شرح رابطه‌ای‌ست که اکنون میان «هری کین» و «سون هیونگ مین» حکم‌فرما شده؛ موفق‌ترین زوجی تهاجمی کنونی در جهان که از هر لحظه رابطه خود در مستطیل سبز لذت می‌برند.

در یک شوب سرد شمال لندن، تاتنهام با کسب پیروزی ۲–۰ مقابل آرسنال به صدر جدول رده‌بندی لیگ برتر انگلیس صعود کرده؛ یک پیروزی امیدوارکننده برای مردم سفیدپوش لندن تا پار دیگر این حس را در دل تک‌تک‌شان افزایش دهد که تاتنهام می‌تواند تیمی باشد که ۳۸ هفته با هدایت «مبارزه جهت فرار از سقوط» پا به میدان بگذارد و در پایان ناگهان متوجه شود که به مقام قهرمانی در لیگ جزیره دست یافته است!

البته هنوز راهی طولانی و البته پرپیچ‌وخم برای رسیدن به چنین موفقیتی پیش رو قرار دارد و البته شاگردان «روزه مورینیو» نیز دقیقاً می‌دانند در میدان به دنبال چه چیزی هستند. بازیکنانی که در مصاف با توپچی‌های یک بار دیگر نمایشی از تعادل میان دفاع، سبکسای و طرح‌ریزی حملات سریع را روی پرده بردند.

سبک پرسینگ مورد استفاده در تاتنهام، همانند شکل دفاعی «یورگن کلوپ»، یک سلاح خلاقانه است و بهترین شرایط حمله را برای کین و سون فراهم می‌کند. آنها باز هم همچون دو کوهنوردی که در مسیر صعود به قله، با طناب خود را به دیگری متصل کرده‌اند، پا به میدان گذاشتند و هر دو در نیمه نخست دربی بزرگ شهر لندن، هر دو گل تیشمان را به ثمر رساندند. دو ستاره‌ای که تا اینجا فصل امضای همکاری‌شان پای یازده گل اسپرز خردنمایی می‌کند.

لحظه مهم بازی در دقایق تلف‌شده نیمه نخست رقم خورده در یک حرکت که تنها بیست ثانیه طول کشید، تاتنهایی‌ها به طور دقیق DNA خود را به تصویر کشیدند. در خصوص این صحنه شاید لازم نباشد که به عملکرد دقیق کین و سون اشاره کنیم اما فراموش نکنید که در آن لحظات آرسنال یک گل عقب بود و با ترکیب محبوب ارتا در خط دفاعی – چهار مدافع – به تدارک حمله روی دروازه تیم تحت رهبری آقای خاص می‌انداخید اما در نهایت در دامی افتاد که هیچ راه فراری از آن وجود نداشت.

با وجود سبوری شدن یازده هفته از رقابت‌های فصل جدید لیگ برتر انگلیس، آرسنال همچنان تیمی سردرگم است که مهره‌های کناری‌اش چندان مانند یک قلعه در شطرنج، مسیری مستقیم را طی می‌کنند؛نه حرکتی در قطر،نه مانوری و نه تفکری. طی حمله سرخ‌های لندن، پاسی از جناح چپ توسط «سرژ اوریه» در محوطه جریمه تاتنهام چپ شد او مالکیت توپ را به «جیوانی لوسولسو» منتقل کرد که آماده طراحی یک ضدحمله سریع بود. جیوانی توپ را به سمت چپ خط دفاعی آرسنال فرستاد؛ به جایی که متوجه خلا حضور «سون توپ پارتنی» نیمه‌مصدوم در آن نقطه شده بود. سون توپ را گرفت و به جلو تاخت. کین هم به پشت سر او حرکت کرد. مهاجم کراهی اطمینان داشت که باید به هر نحوی که شده توپ را برای کاپیتان با فرستند. همین نیز شد و کین پس از دریافت توپ، یک ضربه سهمگین و محکم، یک گل زیبا را به ثمر رساند؛ توپ قسمت پایینی تیرک دروازه را به لرزه درآورد تا این گل، جزو گل‌هایی باشد که به نوعی موجب تحقیر و تضعیف روحیه حریف می‌شود.

کنه جانک اینکه دومین گل تاتنهام در میدان یعنی همین ضربه، روی سومین شوت اسپرز به دست آمد؛ نخستین گل آن‌ها در دقیقه دوازده با نخستین شوت‌شان به ثمر رسیده بود. نخستین گل هم تشابه زیادی به دومی داشت؛ گلی که روی حرکات عرضی مهاجمان و با یک شوت خوب به بار نشست. کین توپ را در میانه میدان به جریان درآورد پس از یک چرخش، آن را برای سون فرستاد. در ادامه نیز مهاجم کراهی با یک حرکت عرضی و جز زبیا دروازه رقیب را گشود.

یک گل کل تیمون شده و البته تکراری برای قربانیان؛ تغییر جریان مسابقه، ضد حمله، پاس از راه دور، شوت و باز کردن دروازه البته در صحنه گل دوم، ژاکا و پارتی نیز در مهار کین کاموفق عمل کردند و «راب هولدینگ» هم با صدور اجازه پرسش و سه دچاپ قصور شد. با تمام این اوصاف فراموش نکنید که ضربه پایانی هر بسیار خوب و تقریباً مهارناپذیر بود. با این حال ارتنا معتقد است که میشد جلوی آن گل را گرفت!

اما دانستن سبک بازی تاتنهام و مهار آن، دو مقوله جدا از هم است. کین و سون پنج سال کنار همدیگر بازی کرده و برای این تیم ۲۳ گل به ثمر رسانده‌اند. سون ۲۲ میلیون پوند برای تاتنهام هزینه داشت و هری محصلوی از آکادمی باشگاه بود. زوجی که با تلاوم درخششان در زمین، هر لحظه این امر را اثبات می‌کنند که سران تاتنهام در خصوص آنها سرمایه‌گذاری بسیار پرمنفعتی را انجام داده‌اند. دو ستاره‌ای که اکنون دو قلعه و مهره کلیدی از پازل تیم تحت رهبری مورینیو هستند، دو بازیکنی که عملکرد خط آتش تیم آقای خاص به آنها وابسته است. درک نوع زوج و سون کین چندان کار سختی نیست؛ آنها هر دو به شدت سریع و از لحاظ فیزیکی بی‌رحم هستند، دو مهره کاملاً با هوش که در بازی‌سازی هم توان بالایی دارند. اما شاید بزرسید رابطه آنها با یکدیگر چگونه است؟ یک شماره ۹ و یک شماره ۱۰؟ ۹۱ و یوتنکر چپ و یک مهاجم تمام‌کننده؟ یک مهاجم آزاد و دهنده و یک بازیکن با قابلیت ارسال پاس دقیق؟ یا خرنشش کین و سون در فاز هجومی؟ حالا نوبت «پیر امیل هویبرگ» و «موسی سیسوکو» است تا گام دوم مأموریت را اجرا کنند. آن‌ها به خوبی هر گونه فضای خالی را پوشش می‌دهند و در مصاف با مهره‌های آرسنال نیز با استحکام از اندوخته‌های تیم دفاع کینند. همین نقشه بازی فتح رقابت‌ها تا اینجا فصل کلیات کرد. به‌تفاهمی که بی‌ریزی آن با پاس کین به سون و پاس سون به کین و گلزنی، بتن‌ریزی شده و شاید همین امر موجبات قهرمانی اسپرز را در پی داشته باشد.

سه شنبه شب و در آخرین بازی مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا شاهد باخت سنگین بارسلونا برابر یوونتوس آندره آپرلو بودیم، یوونتوسی که حتی تیم های انتهای جدولی سری آ هم برایش مشکل به وجود می آوردند و در لیگ خودش هم صدر نشین نیست. هرچند دیشب شاهد یک نمایش درخشان و بی نقص از این تیم در تک تک خطوط بودیم. اما در این مطلب قصد داریم بررسی کنیم مقصر این وضعیت بلوگرانا کیست و چرا در ۵ سال گذشته روز به روز بیشتر در منجلاب فرو رفته است و دارد مسیر تیم هایی مثل منچستر یونایتد و میلان را در پیش می گیرد؟

بر هیچ کس پوشیده نیست مدیریت فاجعه بار جوزپ ماریا بارتمنو در سالهایی که سکان ریاست بلوگرانا را بر عهده داشت عامل اصلی نزول بارسلونا است. می توان از اشتباهات مدیریتی او یک مثنوی هفتاد من نوشت. در سالهای اخیر شاهد خریدهایی ناکارآمد و گاما عجیب و غریب توسط تیم مدیریتی بارتمنو بوده ایم، خرید هایی که نه تنها به قدرتمندتر شدن بارسلونا کمکی نکرده اند، بلکه مشکلاتی را نیز به وجود آورده اند. جرات می توان گفت تنها خریدهای مؤثر بارتمنو، ترشتگن و لوییض سوارز بوده اند.

در دوران ریاست او در بلوگرانا شاهد خرید بازیکنانی نظیر آندره گومز، متنو، آردا توران، لوکاس دینیه، لوسون سمدر، جونیور فیرو، اومتیتی، نلگت، دمبله، کوتینیو، تنو، ویدال، پاولینیو، راکیتیچ، بوانتگ، بریتوت و … بوده ایم، شاهکار نقل و انتقالی او معاوضه اژتور ملو و میرالم پینلیچ در تاستان گذشته بود که هرچه بگوییم از طزن تلخ ماجرا کم می کند.

در دوران ریاست او در بلوگرانا شاهد خرید بازیکنانی نظیر آندره گومز، متنو، آردا توران، لوکاس دینیه، لوسون سمدر، جونیور فیرو، اومتیتی، نلگت، دمبله، کوتینیو، تنو، ویدال، پاولینیو، راکیتیچ، بوانتگ، بریتوت و … بوده ایم، شاهکار نقل و انتقالی او معاوضه اژتور ملو و میرالم پینلیچ در تاستان گذشته بود که هرچه بگوییم از طزن تلخ ماجرا کم می کند. یک ضرب المثل مغولی هست که می گوید هیچ زنی نمی تواند همزمان با دو مرد ازدواج کند! در بارسلونا ما شاهد ازدواج یک زن با سه مرد بوده ایم، پست هافبک تهاجمی بارسلونا سه مدعی گردن کلفت دارد، لئو مسی و آنتوان گریزمن و فیلیپ کوتینیو. لئو در صورتی است که پدری لئو مسی دست به خرید دو بازیکن در آن پست می زند و ۲۸۰ میلیون یورو صرف خرید گریزمان و کوتینیو می کند؟ اکنون می بینیم که تداخل پست در بلوگرانا عملا کوتینیو را نیمکت نشین و حمله روی دروازه تیم تحت رهبری آقای خاص می‌انداخید اما در نهایت در دامی افتاد که هیچ راه فراری از آن وجود نداشت.

با وجود سبوری شدن یازده هفته از رقابت‌های فصل جدید لیگ برتر انگلیس، آرسنال همچنان تیمی سردرگم است که مهره‌های کناری‌اش چندان مانند یک قلعه در شطرنج، مسیری مستقیم را طی می‌کنند؛نه حرکتی در قطر،نه مانوری و نه تفکری. طی حمله سرخ‌های لندن، پاسی از جناح چپ توسط «سرژ اوریه» در محوطه جریمه تاتنهام چپ شد او مالکیت توپ را به «جیوانی لوسولسو» منتقل کرد که آماده طراحی یک ضدحمله سریع بود. جیوانی توپ را به سمت چپ خط دفاعی آرسنال فرستاد؛ به جایی که متوجه خلا حضور «سون توپ پارتنی» نیمه‌مصدوم در آن نقطه شده بود. سون توپ را گرفت و به جلو تاخت. کین هم به پشت سر او حرکت کرد. مهاجم کراهی اطمینان داشت که باید به هر نحوی که شده توپ را برای کاپیتان با فرستند. همین نیز شد و کین پس از دریافت توپ، یک ضربه سهمگین و محکم، یک گل زیبا را به ثمر رساند؛ توپ قسمت پایینی تیرک دروازه را به لرزه درآورد تا این گل، جزو گل‌هایی باشد که به نوعی موجب تحقیر و تضعیف روحیه حریف می‌شود.

کنه جانک اینکه دومین گل تاتنهام در میدان یعنی همین ضربه، روی سومین شوت اسپرز به دست آمد؛ نخستین گل آن‌ها در دقیقه دوازده با نخستین شوت‌شان به ثمر رسیده بود. نخستین گل هم تشابه زیادی به دومی داشت؛ گلی که روی حرکات عرضی مهاجمان و با یک شوت خوب به بار نشست. کین توپ را در میانه میدان به جریان درآورد پس از یک چرخش، آن را برای سون فرستاد. در ادامه نیز مهاجم کراهی با یک حرکت عرضی و جزو زیبا دروازه رقیب را گشود. یک گل کل تیمون شده و البته تکراری برای قربانیان؛ تغییر جریان مسابقه، ضد حمله، پاس از راه دور، شوت و باز کردن دروازه البته در صحنه گل دوم، ژاکا و پارتی نیز در مهار کین کاموفق عمل کردند و «راب هولدینگ» هم با صدور اجازه پرسش و سه دچاپ قصور شد. با تمام این اوصاف فراموش نکنید که ضربه پایانی هر بسیار خوب و تقریباً مهارناپذیر بود. با این حال ارتنا معتقد است که میشد جلوی آن گل را گرفت!

اما دانستن سبک بازی تاتنهام و مهار آن، دو مقوله جدا از هم است. کین و سون پنج سال کنار همدیگر بازی کرده و برای این تیم ۲۳ گل به ثمر رسانده‌اند. سون ۲۲ میلیون پوند برای تاتنهام هزینه داشت و هری محصلوی از آکادمی باشگاه بود. زوجی که با تلاوم درخششان در زمین، هر لحظه این امر را اثبات می‌کنند که سران تاتنهام در خصوص آنها سرمایه‌گذاری بسیار پرمنفعتی را انجام داده‌اند. دو ستاره‌ای که اکنون دو قلعه و مهره کلیدی از پازل تیم تحت رهبری مورینیو هستند، دو بازیکنی که عملکرد خط آتش تیم آقای خاص به آنها وابسته است. درک نوع زوج و سون کین چندان کار سختی نیست؛ آنها هر دو به شدت سریع و از لحاظ فیزیکی بی‌رحم هستند، دو مهره کاملاً با هوش که در بازی‌سازی هم توان بالایی دارند. اما شاید بزرسید رابطه آنها با یکدیگر چگونه است؟ یک شماره ۹ و یک شماره ۱۰؟ ۹۱ و یوتنکر چپ و یک مهاجم تمام‌کننده؟ یک مهاجم آزاد و دهنده و یک بازیکن با قابلیت ارسال پاس دقیق؟ یا خرنشش کین و سون در فاز هجومی؟ حالا نوبت «پیر امیل هویبرگ» و «موسی سیسوکو» است تا گام دوم مأموریت را اجرا کنند. آن‌ها به خوبی هر گونه فضای خالی را پوشش می‌دهند و در مصاف با مهره‌های آرسنال نیز با استحکام از اندوخته‌های تیم دفاع کینند. همین نقشه بازی فتح رقابت‌ها تا اینجا فصل کلیات کرد. به‌تفاهمی که بی‌ریزی آن با پاس کین به سون و پاس سون به کین و گلزنی، بتن‌ریزی شده و شاید همین امر موجبات قهرمانی اسپرز را در پی داشته باشد.

امتیاز

روزنامهصبح ایران

بارسلونا؛ پله پله تا سقوط



وینگر سریع و تخصصی و دربیل زن و یک مهاجم نوک قاتل باشد. خنده دار است نه؟

حضور دیناک در ترکیب یعنی نیاز بارسلونا به یک هافبک توپ نگهدار و توپ پخش کن سطح بالا کنار او، یکی مثل آرتور ملو یا از همین ترکیب. اما بلکه مشکلاتی را نیز به وجود آورده اند. جرات می توان گفت تنها خریدهای مؤثر بارتمنو، ترشتگن و لوییض سوارز بوده اند.

بازیکنانی نظیر آندره گومز، متنو، آردا توران، لوکاس دینیه، لوسون سمدر، جونیور فیرو، اومتیتی، نلگت، دمبله، کوتینیو، تنو، ویدال، پاولینیو، راکیتیچ، بوانتگ، بریتوت و … بوده ایم، شاهکار نقل و انتقالی او معاوضه اژتور ملو و میرالم پینلیچ در تاستان گذشته بود که هرچه بگوییم از طزن تلخ ماجرا کم می کند.

در دوران ریاست او در بلوگرانا شاهد خرید بازیکنانی نظیر آندره گومز، متنو، آردا توران، لوکاس دینیه، لوسون سمدر، جونیور فیرو، اومتیتی، نلگت و ده است که هیچ کدام در سطح تیمی مثل بارسلونا نبوده اند و با اشتباهات فردی خود به بزرگترین معضل تیم تبدیل شده اند. دیگر به این اشتباهات عادت کرده ایم و اگر در یک مسابقه چنین اشتباهاتی بنبینم خوبمان نمی برد. از هوادار بارسلونا بپرسی می گوید یا یک مدافع بزرگ نظیر فن دایک و فری ادی بخریم

که امری محال است، یا اینکه به لاماسیا اعتماد کنیم و آرنآوخو و مینگزا را فیکس کنیم، گرم اشتباهی کردند دلمان نمی سوزد که کرور کرور یورو برایشان هزینه شده است و می گذاریم به پای کوب و بهتر شدن آنها.

پس از انزیکه، بارتومتو، ارنستو والورده را سرمربی اعلام کرد که اگر مصفناغه بگوییم مربی با دانش و تاکتیک بلدی بود که بارسلونا را قدرت بلانزمان لالیگا کرده بود اما فاقد شجاعت لازم بود

در لیگ قهرمانان فجاییی به بار آورد که تکرار آنها خاطر را مکدر می کند. اشتباه بزرگ تر برنکار کردن او در اواسط فصل بود و اشتباهی بزرگتر



و خنده دار تر جانشین کردن ستین بود که در زندگی به داشتن چند راس گاو راضی و حضور در بارسلونا برایش یک رویای شیرین بود و فکرش را هم نمی کرد که به آنجا برسد و هر صبح که به تمرین می رفت از خود می پرسید این منم که دارم اما تیم را تمرین می دهم؟ واقعا خنده دار است. پرونده ستین با یک شکست تلخ که محال است از خاطرامان برود و تا ابد ننگی است بر پیشانی، بسته شد و رونالد کومان هلندی سکان دار کشتی به گل نشسته است و اناری ها شد.

کومان با سیستم ۳-۲-۴ خود موفق شد هلند را دوباره به یک قدرت تبدیل کند و برای اجرای سیستم خود مهره های لازم را در اختیار داشت اما در بارسلونا اینگونه نیست، در ابتدای حضورش لوییض سوارز فروخته شد و تنها نوک تخصصی تیم بریتوت است. تیمش مدافع قابل اعتماد ندارد و با مصدوم شدن پیکه کارش سخت تر هم شد. یک مسی بی انگیزه و افت کرده در اختیار دارد، یک گریزمان بار ادا و ناکارآمد و چند پسر بچه جوان و حیوایی نام.

اما خود کومان نیز بی تقصیر نیست و در تیمش هیچ تقاوتی با تیم والورده نمی بینیم. در همین والورده مسی همه کاره بود و اکنون نیز همین بود و همه توپ ها به او ختم می شود. سیستم بازی کومان نیاز به بازیکنانی دهنده و پرس کننده دارد که در بارسلونا دوندگی معنا ندارد و اصلا کسی حال دودیدن ندارد. در بیست دقیقه اول بازی تنها سرچینو دست و پدری بودند و دودیدن و باقی بازیکنان قدم زنان نظاره گر میدان بودند، البته ورزشگاه به آن بزرگی تماشاگر لازم دارد، ندارد؟

این بارسلونا مربی شجاعی می خواهد که فقط

و فقط به جوانانی مثل پویگ و النیا و آرنآوخو و مینگزا و پدری و… به صورت فیکس بازی دهد و از نیمکت نشین کردن بوکسکس و گریزمن و حتی لئو مسی ترسی نداشته باشد. کومان با همین ترکیبی که ذکر شد توانست دیناموکیف و فرانس واروش را شکست دهد و اگر دیشب هم همین ترکیب به میدان می رفت شاید نمی توانست پیروز شود اما مطمئنا با این نتیجه شکست نمی خورد و بازی به مراتب بهتر و جندگندگی بیشتری را به نمایش می گذاشت. اما دیشب همه و همه به دنبال رساندن توپ به مسی بودند و لئو نیز از آن همه توپی که به او رسید هفت شوت در چارچوب داشت و توپ های بسیاری را نیز از دست داد.

لئو در این دیدار ۱۲۵ لمس توپ داشت و تنها ۷ شوت داخل چارچوب برایش ثبت شده است. ۱۰ اقدام به دربیبل که فقط ۵ تای آنها موفق بوده است و هیچکدام تاثیرگذار و گره گشا نبوده است. مسی دیشب با ۲۲ مالکیت توپ را از دست داد که ۱۷تای آنها به موقعیت خطرناک برای حریف تبدیل شد. پله هفت شوت در چارچوب و ۸ دربیل موفق برای یک بازیکن در یک بازی بسیار عالی است اما وقتی تمام توپ ها به یک بازیکن ختم می شود ثبت چنین آماری شاهکار نیست، مهم تر اینکه این امار کمکی به تیم برای پیروزی یا حتی کم کردن اختلاف نکرد.

یکی دیگر از اشتباهات بارتمتو حفظ بالاچار مسی بود. هواداران بارسلونا منکر هیچ کدام از زحماتی که لئو کشیده نمی شوند و من هم اصلا فرد ناسپاسی نیستم اما وقتی دل بازیکن با تیم نیست و هوای دیگری را استشمام می کند باید راه را برای رفتنش باز کرد.

در تابستان باید مسی به فروش می رفت و با پولی که از فروشش به دست می آمد و پولی که صرف حقوقش می شد، بارسلونا می توانست یک مهاجم نوک قاتل و یک دفاع کلاس جهانی را جذب کند و در میدان هم دیگر شاهد تداخل پستی نبودیم و تمام توپ ها به مسی ختم نمی شد و کومان مجبور به استفاده از ششوه دیگری می شد. تیم دوندگی بیشتری از خود نشان می داد و می توانستیم شاهد یک پرس همه جانبه و نمایش یکدست تر باشیم.

با اجرای یک مراسم خداحافظی با شکوه و در شان لئو و سیاس گذاری از او برای تمامی زحماتی که برای تیم در این سالها کشیده است و جام هایی که به کمک او به دست آمد می شد شرایط بهتری نسبت به وضع کنونی به وجود آورد. لئو هم شاداب و با طراوت در جایی که دلش بود بازی می کرد و اینگونه شاهد خوشحالی رقیب از افت او نبودیم.

هدیه گرانقدر رونالدو به لیونل مسی



بیدارباش استفاده کنند.

اگر بخواهیم دوباره شاهد یک نمایش مسی-رونالدوی جذاب باشیم، بدون در نظر گرفتن اینکه چه کسی می‌برد یا کدام‌یک گل می‌زند یا متناصب با نام و اعتبار این دو و ۳۵ بازی مقابل یکدیگرشان باشد، می‌تواند لحظات استثنایی فراوانی را در این فوتبال خلق کند که ما را به وجد آورد و خودش هم به رضایت شخصی برسد که مدت‌هاست در این بارسلونا از آن بی‌بهره بود.

این دو سال‌ها با یکدیگر رقیب بوده‌اند، به یکدیگر حسات کرده‌اند، گاهی نفرت ایجاد شده و کم‌دورت اما همواره احترام بوده و حتی علاقه، ضرات، دربیل‌ها، بنپاتی‌ها، جام‌ها، هیجان‌ها، کارهای فوق‌العاده و انگیزه‌هایی پایان‌ناپذیر برای اینکه هرگز آرام نگینند، وجود داشته و باعث شکل‌گیری جادویی‌ترین، غیوربال پیش‌بینی‌ترین و تأثیرگذارترین ال‌کلاسیکوهای تاریخ این بازی بزرگ شده است.

حالا اگر قرار بود این پایان یکی از زیباترین و جذاب‌ترین و تقابل‌های شخصی تاریخ فوتبال باشد، شاید بتوان گفت رونالدو لطف بزرگی به مسی کرده است؛ او به مسی نشان داد جدایی و تجربه اتفاقات جدید می‌تواند فوق‌ستاره آرزائتینی را به زمین‌های سبزتر، آرامش بیشتر و از همه مهم‌تر خزان دلپذیرتر حرفه که این دو فوتبالبلیست استثنایی کاملاً شایستگی‌اش را دارد، برساند. این لطف با داریوی تلخ و ناگوار صورت گرفت اما اگر بتواند مسی را از درد فعلی‌اش برهاند، هدیه کریسمس بارزشی از طرف رونالدو خواهد بود. احتمالش کم است اما شاید در مراحل پایانی این رقابت‌ها دوباره دو تیم با هر روبروه شوند؛ آن بازی داستان دیگری خواهد داشت اما در حال حاضر داستان این است و مسی باید قدر هدیه رونالدو را بداند.

سرتو بدزد رقیق – آخرین وصیت کونته به لوکاکو

اکنون باز هم در حلقه ی هشتم نهایت اینتر شد و مانع از گلزنی سانچز شد. شاید اگر لوکاکو در آن نقطه از زمین حضور نداشت، اکنون ضربه سر سانچز وارد دروازه شاختار شده بود و اینتر نیز به عنوان تیم دوم گروه B راهی مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا می شد.

نکنه جلب اینکلی اگر اینتر می توانست از سد شاختار عبور کند و راهی مرحله بعد شود، می توانست ۱۵ میلیون یورو پاداش دریافت کند ولی اکنون با قرار گرفتن در جایگاه چهارم، از دور این رقابت ها کنار رفت. حضور بی موقع لوکاکو در جلوی دروازه شاختار، باعث شد اینتر ۱۵ میلیون یورو ضرر کند.

اینتر در پایان این دیدار از باز کردن دروازه شاختار عاجز ماند و با عملکردی فوق العاده ضعیف، لوکاکو که در دیدار پایانی لیگ اروپا نیز در رتبه چهارم قرار گرفت و حتی از رسیدن به لیگ اروپا نیز باز ماند. در این گروه رئال مادرید صدرنشین شد و مونشن گلابادبا نیز به عنوان تیم

اخبار

«شب‌های فوتبالی» به «فوتبال برتر» هم باخته

وقتی برنامه نود در استفاده ۱۳۹۷ برای همیشه به محاق رفت، فرصت خوبی برای برنامه شبهای فوتبال وجود آمد تا از خلال نبود اصلی‌ترین رقیبش در بررسی بازی‌های لیگ استفاده کند و تبدیل به یکی از برنامه‌های پربیننده ورزشی تاریخ صداوسیما شود اما حالا بعد از گذشت ۲ سال از آن روزها، توجهات به برنامه شب‌های فوتبالی حتی کمتر از قبل شده.

«شب‌های فوتبالی» ۵ سال است که روی آنتن شبکه ورزش می‌رود اما چند ضعف عمده دارد که باعث شده بازی را حتی به جایگزین برنامه نود هم نبازد. این برنامه علی‌رغم اینکه از نظر زمانی موقعیت بهتری نسبت به رقبایش در شبکه سه دارد و لازم نیست یک هفته صبر کند تا دوشنبه‌ها فرا برسد و فوتبال در ۷ روز گذشته را بررسی کند اما نتوانسته استپور که شاید با دید جای خودش را در بین فوتبال حسین‌ها باز کند.

مهم‌ترین بنبس شب‌های فوتبالی در فصول اول این بود که به محض تمام شدن بازی‌های روز و بعضاً حتی زمانی که هنوز آخرین بازی به اتمام نرسیده بود روی آنتن شبکه ورزش می‌رفت. در فصول اول حتی تهیه‌کنندگان این برنامه موفق شده بودند کنفرانس‌های خبری پس از بازی را به صورت زنده پخش کنند و حتی بینندگان برنامه «فوتبال برتر» که آن روزها فقط به پخش بازی‌های پرسپولیس و استقلال اختصاص داشت را جذب کنند اما در ۲ سال گذشته مهم‌ترین بخش برنامه از آن گرفته شده و شب‌های فوتبالی حتی ساعت بعد از اتمام فوتبال‌های روز روی آنتن می‌رود. اما این تنها ضعف برنامه نیست. مهم‌ترین ضعف این است که برنامه ۵ سال است روی آنتن می‌رود و ۷ مجری عوض کرده

در سال اول عبدالله روا که بیشتر با برنامه‌های اجتماعی شناخته می‌شد اجرای برنامه را برعهده داشت. او آنقدر از وضعیت فوتبال ایران دور بود که خودش همیشه در این مسأله را روی آنتن ذکر می‌کرد. مدیران شبکه در آن روزها گمان می‌کردند حضور افشین عبداللهیان به عنوان کارشناس ثابت که سابقه روزنامه‌نگاری دارد، می‌تواند خلأ مجری عوض کرده

در سال اول عبدالله روا که بیشتر با برنامه‌های اجتماعی شناخته می‌شد اجرای برنامه را برعهده داشت. او آنقدر از وضعیت فوتبال ایران دور بود که خودش همیشه در این مسأله را روی آنتن ذکر می‌کرد. مدیران شبکه در آن روزها گمان می‌کردند حضور افشین عبداللهیان به عنوان کارشناس ثابت که سابقه روزنامه‌نگاری دارد، می‌تواند خلأ مجری عوض کرده

در سال اول عبدالله روا که بیشتر با برنامه‌های اجتماعی شناخته می‌شد اجرای برنامه را برعهده داشت. او آنقدر از وضعیت فوتبال ایران دور بود که خودش همیشه در این مسأله را روی آنتن ذکر می‌کرد. مدیران شبکه در آن روزها گمان می‌کردند حضور افشین عبداللهیان به عنوان کارشناس ثابت که سابقه روزنامه‌نگاری دارد، می‌تواند خلأ مجری عوض کرده

ضعف دیگر هم تغییر مداوم تهیه‌کنندگان برنامه است. این برنامه در پنجمین فصل حضورش، چهارمین تهیه‌کننده‌اش را تجربه می‌کند و از این حیث هم رکورددار است! اما شنبه‌های فوتبالی باشنده در واقع شب‌های فوتبالی برعکس برنامه نود و حتی فوتبال برتر که همه با خبرنگار اسم برنامه‌شان خیلی سریع چهره مجری‌ها را به یاد می‌آورند، از این خصیصه محروم شده و نتوانسته با هیچ مجری‌ای بیشتر از یک سال سر کند. این یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های برنامه شب‌های فوتبالی است.

ضعف دیگر هم تغییر مداوم تهیه‌کنندگان برنامه است. این برنامه در پنجمین فصل حضورش، چهارمین تهیه‌کننده‌اش را تجربه می‌کند و از این حیث هم رکورددار است! اما شنبه‌های فوتبالی باشنده در واقع شب‌های فوتبالی برعکس برنامه نود و حتی فوتبال برتر که همه با خبرنگار اسم برنامه‌شان خیلی سریع چهره مجری‌ها را به یاد می‌آورند، از این خصیصه محروم شده و نتوانسته با هیچ مجری‌ای بیشتر از یک سال سر کند. این یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های برنامه شب‌های فوتبالی است.

ضعف دیگر هم تغییر مداوم تهیه‌کنندگان برنامه است. این برنامه در پنجمین فصل حضورش، چهارمین تهیه‌کننده‌اش را تجربه می‌کند و از این حیث هم رکورددار است! اما شنبه‌های فوتبالی باشنده در واقع شب‌های فوتبالی برعکس برنامه نود و حتی فوتبال برتر که همه با خبرنگار اسم برنامه‌شان خیلی سریع چهره مجری‌ها را به یاد می‌آورند، از این خصیصه محروم شده و نتوانسته با هیچ مجری‌ای بیشتر از یک سال سر کند. این یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های برنامه شب‌های فوتبالی است.

ضعف دیگر هم تغییر مداوم تهیه‌کنندگان برنامه است. این برنامه در پنجمین فصل حضورش، چهارمین تهیه‌کننده‌اش را تجربه می‌کند و از این حیث هم رکورددار است! اما شنبه‌های فوتبالی باشنده در واقع شب‌های فوتبالی برعکس برنامه نود و حتی فوتبال برتر که همه با خبرنگار اسم برنامه‌شان خیلی سریع چهره مجری‌ها را به یاد می‌آورند، از این خصیصه محروم شده و نتوانسته با هیچ مجری‌ای بیشتر از یک سال سر کند. این یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های برنامه شب‌های فوتبالی است.

دوشنبه این هفته از جهاتی برای سنجش عیار برنامه شب‌های فوتبالی زمان مناسبی به حساب می‌آمد. اکثر بازی‌های این هفته لیگ در روز دوشنبه برگزار شد و در نتیجه شبانگاه هم برنامه فوتبال برتر روی آنتن رفت و هم شب‌های فوتبالی. واکنش‌ها به برنامه فوتبال برتر این هفته، حجم تویتهایها و ویدیوهای از برنامه محمدحسین مثنایی که در این یکی دو روز همخوان شده، به هیچ عنوان قابل قیاس با برنامه شب‌های فوتبالی دوشنبه شب نیست، نسبتاً هیچ تئوتیتی درباره برنامه تخصصی شبکه ورزش نوشته نشده و هیچ ویدیویی از آن منتشر نشده است. حتی ماجرای اضافه شدن مجری تازه به برنامه هم خبری نشده و همه اینها نشان از این دارد که شب‌های فوتبالی بعد از ۵ سال نتوانسته متعاقباً لازم را برای خود دست و پا کند و حتی در مقایسه با رقیبی که قرار بود توسط فوتبالی‌ها تحریم شود، بازی را باخته و کاملاً زیر سایه برنامه شبکه سوم حرکت می‌کند.